

رساله ای بر علم حروف

بزرگترین مجموعه آموزش قدم به قدم علوم غریبه

<http://www.himiya.ir>

<https://www.himica.ir>



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

دُبْرِيَّا زَ اسْتَخْرَاجُ احْوَالِ اِنْدَهُ وَ اسْتَكْشَافُ اِجْوَرِهَا

وَ این بَرَانُواعُ اَسْتَ مُعْظَمُهُمْ تَرِينْ دَقَائِقَ اِینْ فَنْ رَاهِ طَالِيفَه
بَنْوَعِی اِسْتَخْرَاجُ كَرْدَهُ وَ بَرَضُوا بَطْ وَ قِيقَهُ اِسْتَارَهُ فَرْمَودَهُ وَ ما زَنْجَهُ اَخْصَ
اَنْخَصَ بَهْشَهُ وَ اَعْتَمَادَ رَاهْشَهُ ذَكْرُ خَوَابِیمْ كَرْدَهُ بَرَجَبِی کَهَالْ خَصَعَ
وَ عَاسِیتْ فَتْوَحَ دَشْرَتَهُ بَهْشَهُ بَالَّهِ الْعَظِيمِ وَ مِنَ الْبَهْدِ التَّوْفِیْقِ اِزْجَدَهُ آن
کَیْ نَهْسَتَ کَه اَصْوَلْ حَمْدَهُ رَاهِ عَبَارَتَ لَزَ اَسْمَ حَمْبَ وَ حَبْ وَ لَغِیْفَیْتَ
وَ طَالِعَ وَ حَسْبَ طَالِعَهُ اِسْتَخْرَاجُ نَهْنَدَهُ وَ طَرِیْقَ اِنْجَنْیَنْ اَسْتَ
کَه اَصْوَلْ حَمْدَهُ رَاهِ زَنَامَ لَمَنْدَهُ وَ تَكْسِیْهُ نَهَانِدَهُ تَاهَ اَخْرَکَیْهُ صَدَرَهُ
وَ سَوْضَرَ حَبْتَ رَاهِدَ اَصْلَ بَرِیْنَ لَکَیدَ پَسَ صَدَرَتَهُ سَیرَ رَاهِ زَنَامَ لَمَنْدَهُ
وَ تَكْسِیْهُ نَهَانِدَهُ تَاهَ اَهْرَانَدَهُ مَوْذَاتَ اَنْلَکَهُ پَکِيرَدَهُ وَ تَكْسِیْهُ دَبَدَهُ تَاهَ

آغَزَ



اخرباب دما بجهة اسانی درست بدروی شانی بیاریم با اسم
 محمد بیاریم چون بطریق مذکور از تکیه اصول خود صدور
 گرفته شامل باید کرد و در آن سطوح پیشی که حاصل شود از طلاق
 مرتبه البته از طلاق طالب حکایت کند از آن داشته و این ده
 سایل مقبول ممقوی چون این مقدمات معلوم شدی بمراد رسی از
 الل تعالی و درینجا حبند کلمه محل برای شل بیاریم معنی از نقطه
 تو ان راه مغمون سخن برد پس شده هم سایل محمد حروف قم ختم
 ولقب جلال الدین حروفش جل ال ال دی ن کنست
 ابو القاسم حروفش اب وال ق اسم طالع ثغر حروفش
 ثغر حسب طالع زیره حروفش زیره جمع حروف از تکیه
 اصول عصره مح مدجل ال ال دی ن اب وال
 ف اسم م دشت و زیره داین دست و نهاده حرفت ^{۲۹}
 چون حروف ستحفصه ازان جمع کردیم یعنی حروف مکرر اندیم



شانزده میج درج الیزبوفس شنمره
این حروف را چنان تکمیل کند که نام اصل بازگرد داده ازان
ستخراج احوال لند منصوبایا مقتوبای العاقل یعنیه الا شاره
العفانیاً مثال دیگر مفصل ترین ازین مشهد در مثل نذر در رسم
محمد هروش میم ح امی م دال لقب صدیل این
هرخش ح مل ام ال فل ام ال فل ام دا
لی ادن ون کنیت ابو القاسم هروش اف
ب او او ال فل امی افت ال فت سی دن می
م طاح نور هروش مت او او را حب طاح تحره هروش
نرا که از راه احیبیع هریز ز تکمیل اصول حفظه میم ح ام
محمد الی ح مل ام ال فل ام ال فل ام د
الی ادن ون ال فت ب او او ال فل ام
ق اف سی دن می م فت علی رساناه



شانزده می سعی در جو و فسی شنیده
این حروف را چنان تکمیل کند که نام اصل بازگرد داده
برخی احوال لند منصوبایا معمولی العاقل یکنینه اشاره به
الیقناً مثال دیگر مفصل نبین ازین مشهد در مثل مذکور رسم
محمد حروش می سعی می داشت لقب صدیق اربعین
حروش حمل ام ال فل ام ال فل ام دا
لی ادن ون کنیت ابو القاسم حروش ال ف
ب او اد اد ال فل ام ف اف اد ات سی دن می
م طاح نور حروش مت او اور را حب طاح تحریر حروش
نرا که از اینها اجنبیح حرف زنده اصول امنه می سعی می داشت
محمد ال حمل ام ال فل ام ال فل ام د
الی ادن ون ال ف ب او اور ال فل ام
ف اف سی دن می مفت اور سازه ا



ساخته این مجموع این حرف هست بخت باز هم این حرف را نمایم که نام اصل بازگردد و ازان نشاند احوال بیل نماید بهتر خواهد بود نوع دیگر بدآمد اینه این فن در تشخیص احکام گذشته و آینده از صد و هزار متصوّباً با مقصود باهم بوده و تخفیف ای زیبایی میگویند و احکام برمی آورند خوب است بعده برآورد که همچنان که از صد در صد شود تعلق با احوال گذشته سایل است و چه بزر خواسته باشد احوال اینه اینه است الحن این سخن است که مزیدی را این متصوّر نهاد رحمة اللہ علی فاطمه و عاشفه و بعض دیگر برآورد که مجموع ملامت از صد و هزار مفسد برخیز منصرف مغلق نیز نیز است قبل سایل است و مجموع ملامت که از صد و هزار برخیز مغلوب حاصل شود سفن میان گذشت است و این فعل را صورت دو نیز است زیرا که بعماض وضوح تمام دارد که همچنانه منصرف است آنها با اینه اینه ممکن است اشاره گذشته ممکن است فی الجمله چه

ازان بسط اینکه حاصل آید از هل گذشته و ایند که می‌گویند مخصوصاً
کن او مقصود باشد نو عدیل اسم میل را بسط افری کند یا از حرف
سبو ط را افری کند تا مفت مرتبه بسط کند و حرف خالق را از انجابر
دارد تکمیل نماید تا آخر مخچ را ز اول در سطور نظر کند که چه حاصل آید البتة
از اطوار حفات کند ولعف دیگری نمفت مرتبه را مبدون تلخیص تکمیل
کند و سخره نمایند و همس حوب کند اما اگر هر دو انجابرند و در
هر دو موضع تا مل کند بهتر خواهد بود نو عدیل است با احوال
از بسط عددی بجای کند چنانچه هم میل را مفت مرتبه
بسط کند لطیفی که در بسط حرفی بیان ننم است با احوال اینها
کند نو عدیل است فناح کیفیت احوال بجا ریچنیست
که از مریض لطفی پرسند هر چه بگویید ان چلمه را با سم او و طبع قلت
بسط کند و از انجابر حرف تحمیل نمایند و بهینه که در ان
حرف چه طبع غایب است که بجا را از ان طبع مرض حاصل شده



است و درگاه طبع مرض معده شود و هر سان رست که شدت امراض
بسباب عدم تشخیص امراض است و ملیحه حافظ مشقی و درجی لد وارند
بجهت تشخیص مرض وارند و گاه هر مرض تشخیص شد عذیج رسان است
نوع عدیک از استثنای احوال اینده است که حسین بن خوش عذیج
در کنای سر الامراز ذکر نموده طریق جنان است که سوال را با طایع قوت
و صائب طایع بجمع کند و مجموع را تفسیر نماید و حدوف از کسوش مشخص
جمع نمایند و خالص خته و تفسیر برداشته و تفسیر صلمه حواری فی قواند
بعد بردن آید وجود بحث مطابق سوال خواهد بود یعنی عربی را عربی و فارسی
و فارسی و عربی را عربی و امثال اینها نوع عدیک سیم سایل را باطلب
جمع آن دان سطور را با طایع وقت و رب طایع انتزاع کند و تفسیر نماید
آنکه تاز مام باز آید پس در سلطنه زیر نظر لند وجود بحث شافی مطابق
سؤال بردن آید و بتفهه دیگر برایست که سلطناً انتزاع اسم سایل ودب
بالیوم و حسن انتزاع دیند و از تفسیر آن را شخصان خواهند نبینند نوع عدیک



درست حصال جواب لد هم طاپ را سیصد شخص است و شش بار
بطائلند و به لب طان رسم را با حدود آن بسط خالع محدوده نگیرند که
جیون سیصد شخص است و شش صحیفه حاصل آید جمیع احوال سائل از آنند
و اینده و خبر دشرا نفع و ضرر دنیا و عقبی و مسدا و انتها منتهی معلوم
نموده که مل ترین استخراج همین هست که سید این نوع استخراج ضبط
نماید تحقیق که کامل شود و بر احوال حضر اطیع کلی یا بد نویسید
از زبره عترت رسول داولاد بقول امیر سید حسن قدس سره
مردمی هست که حضر جمیع موسوم هست بحضر مبارک و ازان احوال
جمع افراد ای از حال عاضی و مستقبل میتوان درست بدین طبق
که در صفحه که اسم ای شخص جلوه نماید حدود ملعوظی و ملتوی و مردی
آن صفحه را استخراج کند و جدا نماید و مغرب سلطنه و حدود ادل قشم
ملفوظی و معروف عدم فهم ملتوی و هر تر سوم از قسم مسروری نگیرند
که از ابتدای صفحه ناموضع رسم احوال ماضی صاحب اسم بشد

وضع



وضع اعم احوال حال و از انجات اخراجی احوال است قبل عقل حوزه را

رمیگیر خته است بساط احوال نماید لوعده میگیر از سعادت بناءه سید

حسین خلد طی عبده الرحمه منقول سرت ر حروف سوال مفهود باحدا

نو شنید چهار چهار بولید و هر چهار را بطریق ملفوظی و مکتوبي موردی

ترتیب و سند چنانچه منقول است و همه را یک سطر نمایند پسینه

که جواب است فی براید بانه اگر براید مبنایه الا ان سطر را زمام ساخته

نکسره صدر دعویز نمایند تا انکه زمام باز آید و در نکسره بدل حظه لشند جور ب

شانی پیدید آید و اگر وان سطر هم ظاهر نشود حروف هر کیم سطر چهار چهار

جدال لشند و بطریق ملفوظی و مکتوبي موردی تر نسبت و سند و یک سطر

ساخته پسینه حوار بسته فی براید اگر دو جواب پیدید آید از دو حیه برای

نسبت یا هر دو به اثبات یافته مطلوب دلاست دار و یا مختصف شد

بر تقدیر ازین هر سه انجه موافق و مطابق اعراب عصری حضری است

معتبر پر شد لوعده میگیر اند خواه جسین مخصوص حدیج ذکر مخوده چندین

عمل هم شل عمل سابقه است که تا از ذکر شده و لیکن چون جنبه کلمه
زیاد دارد و توضیحش میشیز ازان است مرر آن شتر طبقیش
چنان است که سوال را باطایع وقت و حسب طایع جمع نند و
مجموع را تکمیل نمایند و حروف هر سطر ازان سطور تکمیل حداچدا
ثبتت نماید و کسورات تصحیح هر حرف در پایانش بتوانند حرف
ست تحصله را جمع نماید و فاصله ساخته تکمیل برده است و سطور تکمیل
جواب شفی بیرون آید به زبانی که سوال شده و از استادی نقل
شده که تکمیل سطر آخر که نزدیک بزمام نمایند اگر جواب مطلب دران
حصل نشود چند حرف که باقی میماند ازان ایام پاسخور فرمایه میشود و
سوال هر چه می شده می یابد شخص شده شل آنکه قدر کار فرد نکس
میشود یانه و اگر ناشخص شده جوابش نیز بمان خونا مشخص خواهد
و بالعلم نوع عدیل که بین دو اعمال ترین انواع رستخیز است
و همچو از استادی در سخنه خود نیاورده عبد گذاشته شد مخفف نوشته شد



گر شور و ماضی الرسول الا سبع نو عدای سوال را بجز مقطع
نو شنید مدخل همرو و سیط و صفتی بگیرید و بهم را استنطاق نماید یعنی حرمت
را حاصل نند و آن حرمت را خارص نه و تکمیل نماید چنانکه زمام اصل
بازگرد بعد از آن در سلطنتی خود نماید رحوب معلوم شود منصوب یا تقیل
جون لز تقدیم رستکنن احوال بطریق احوال مختلفه در اعمال متعدده فرات
وست و ادھوز است که بعضی از شرک افراده در کتاب معنیه شنیده
یا از بعضی اسنادان دیده و شنیده تقدیم آورد تایاد هار بانه و طاپ بنین
علم را موافق استعداد و قابلیت بکار آورده و مادره رسید عقل خود را ببر
سازد و لعقدر وسخ و طاقت و شکور و دیانت و مسائل و جواب مسائل
کوشش و از ارجواح بزرگان دین و بهره رکنادین استعداد استعانت
نمایند این مطلب فایزگردی و صلح این امر اراق برعای مخفف است یاد نماید
انما اجره على اللدد واللد المون و المعین فهذا اذ اشرع في المقصود
مثال ادل از عمل مولانا میرزا بھجی شیرازی سکانی کپ یی می



جیسته ای ح و را ل ح ک ب ج م ص ادق

و ب ب ب اسی ا و ه ب ح ب ات او

عدد بکیر عدد حروف سطر مطلب عدد نقطهای سطر مطلب

دلت شنخ خل زن دال ف اث اعی ن ه ا ل ام ک اف س

ض ج س ط س ن خ ق س ض س ظ ذ س ح س

غ ذ د ت ذ ک م ع ت ض ف م ن ع م ذ ظ س ب ح س ه و

س س ق ه ق ظ ص ح د ص س ظ ص س ق و ص ص و ا ق

ر ا د خ د م د ر د ا م و د ر و د ص ص ا دق د ر ر ا

او ه م ن خ ا ه د م س د مثال د و م ل ز عمل مولانا میرزا محمد

صفاهانی ش ک ه ف ه ت ا ح و ر ا ل ش ا ه ط ه م ا

س پ ا ن ز ن ص ه ر ه ت و خ ل ب د ا و عدد تمام سطر مطلب

عدد حروف سطر مطلب عدد نقطهای سطر مطلب ن ر ا ف ا ذ ال ب ا

ب ا ل ا م ن ر ا ه ا ش س ج س ک س ض ع س ع

س ض س ظ ش س خ س / ح ث م ا م ط م ن ع ن م ن
م ن ع م د ث م ت م / س ح ث ظ د مر ن ض ا ح ع س
ر ر غ ع م س ف ق ن ا ط م م ص م ن ع ل س م ت ب
ا ف و ن ب ا ه ه ش ا ا س ا ه ط ه م ا س ب م ن ص د ر
م ن ع ا ل ج م س ف ت : م ش ل س يم ع م ل شاه ا ه ل الل د ب ر و ر ي
د ر ا د ل س لط نت م ح د شاه ب ا د شاه ب ه ن د ك س تان ر ت ا ه ل الل د د ر ان
و ق ت د ر ب ه ن د ل ش ر ل ع ين د ر ش ت ن د د يد ه ک کی ح فی ح ت
س ل ط م ن ح م د ش ا ه ک د ر ک ا ن ی
د ر ه ن و ح ج الع د و ع د د ح و ف ت ع د د ن ف ط ز ال ا م ب
ا ط ا ک ا ف ه آی ا : ح ت غ ح ظ ف ن ز ر ح
ل و م ل ک ل ن ن ف ف ح ش ح ن م ت م ج ش
م د ت ض ر ز ط د نع ظ نع ض م ا ن خ ه ر ج ب ت ا
س ط ت ا ن و ر ک م ن ل ل س س ای ق ق ر ي

س

سی سی ای میل طن ت می کن و پ
متال حکایم د عیسی محدث شاه بہنہ میندستان کے استاد
کامل شاہ اہل السد در ولیش ندوی در پند بود و شاہ عبد المغفور
نام شخصی لازم در آنی بود و خود را در بکس تزویر و فقر حبوہ گر خسته
در سرکار پادشاه ندوی سپهی بیندیه در پادشاه و جمیع امرا سلطنه
و جمهه لازم خلب و سلطنه او بجا ہی رسیده زرشاہ اہل السد بالتجاه
خذلعن و نکسب او سوال کر دند حواب چین فرمودند پنگ پر دند حورب
چین فرمودند کسی فیصلہ ایت اح وال ش اع
ب دال غ ف و س از ن ع ل ج ب د و خ دل ان اف
د چ ب ی د د ل ک ت دال ق اف ن ز ا د ال و او
ل ام ک اف ک ض ذ خ ض ح ن ض ک ذ س ض
س ذ ص س و ض ح ذ ل ک ل ت خ و ذ ل ک ا ل
ا ل ا ک ل و ص ل ت ظی ط ل ی خ ض

ب ظی طج طی حرسی خ همچو
ب و خ هم دست ذم مطلع دشبع س ن
رب خ هم رص نخ ع دع و مج من ص ماجد
خ و ع قی ق در دشی ب رن رت ل دع
ع ب دال افع و رفع ن ف رسی ب فی د
س و د نه نهوز بکاه هم گند شه بعد که مت رایه مخدول
و محبی کرد بعد ازان شه ایل الله مذکور حبیر روزی بر سر
با شیر ز شرف آ درده بود مثال حسین د عیاد سلطنت محظوظ
پا رثه سید حافظ علی خان لاہوری با شیرمه آمد و بود غائب این ن
ا محمد شاه در نکاره مخورست رای تخبر نهاد نان بی بجه ایا برو و
در ان آنی شکر باستقبال آمد و در سر مضن جنگ شده احمد شاه
شکست خورد باز لطف خود حذب سوزده بود و پیش از خند
و عبال ملیمه دار سلطنت لاہور بعده داہل و عیال در انجاد رشید

حادر



کارب لامور تقیش حاصل شد که خان او باخت غرته اهل
وعیاش اسیر دورانی شده باشد و چون شاه اهل السد حمته السد ران
وقت در شهر تشریف داشته است از این سوال مسوده شاه مذهب خواج
سوال مسوده بخان نذور تشغی خاطر فرمودند عمل نذور چنین سرت
کی فیت اح والخ ان دواه ل دعی
ال ک اطم علی خان چون دین حروف را
خاص ختم این شد کی فیت اح والخ قائل
خونه عن نظم ن طاعت قرس صحبه زه ره ریبه
اس د سابعه عق رب عاشره ذل ولوم اح د حشه
ش مس مدخل سیر ز پر ۲۳۵ مدخل و سلطان کیش ا مدخل
صغیر پر ۴۷ چون دین حروف را جمیع حروف خالص کردیم چنین شد
کی فیت اح والخ ان فی نظم فی و زن
اس دم رک اشیع ق رب دل واحد دش مس رب ک کش

ابع چون این صردن جمیع تکه کرده م سط دوم حاصل شد
ع کربی اف شفت که آگه بورل
سخ من شاه دعوه ظام و مثل و درب
زاه قرعه داس علی نه القیاس حبیان تکه های
زمام صل بازگرد بعد ازان لطفاً میرا بگیرد و جمع نموده جو رب
نماید حاصل نموده دصح طض فت س ذق ریشت
دت رفع س من شاه ض و ک شخ م طک
س ض ف که مردم طده ض طت جن این را
نظر اخذ شی گرفته م حبین شدح طدع شع منزل ذضی
ب اس مت رکه ض ک ض ش می م بج
ک ص م رز شع م من سی ک ص ح ح ن ش
ص ب جن نظر اش فی کردیم حاصل حبین شد که مفهوم گردید س
ف ض ب س ذم بخ سرتق ریشت سر صن طج



م س ص ع ظ ر ح ت ط س ت س س ض ظ ن خ ع ض
ظ س ض ح م ر ق س ع ع چون ن ل ظ ا ب ج دی گ ر ف نیم چ نیں
ح ا ص ش د ک ل م ر ف و م گ ر د ب د ا ه ا ل ن ع ا ک ن ط ع ع ا ف ج ه و ز ن د
د م ف ظ ا د ن م و ح ث ا ح ا ل م ن ح ل م ا ل
ع و د ن خ چ و ن ا و ن ر آ ل س ب ک ر د یم ح و ب ح ص ل ش د خ
ا ن د و ا ه ل ع ع ا ل م ا ن ا ظ م ع ب ل ع خ ا ن و م
ح ل ه ا و ا ن ح و ا د د ت م ح د ت و ظ ا م ن د چ و ن
ای ن ع مل ح ب ض و ر ک ن ت و ن د ع ا گ و ب ا ه ب ج م ل ا ب
ح و ب ب ع ا ب د - ا خ ر ا م ف ا ن ب ا ب و ب ج ک ا ت خ و ن خ گ ب ش د ت ا خ ر ا م
س و ا ل ب ب ب د ک ع ف نی م ت ح ا ل ا ح ح ت ر ا م خ ا ن
م ع ا ب و ا ل ج ب ر ک ا ت خ ا ن ب ج ک م ن و م
ع ک ر د د ا ح خ ل ا ح ح ت ر ا م پ ک ا ه
چ و ن خ ا ل ع ن ب خ و د یم ح نیں ش د ک ف ح ا ل ح ت ر ا م خ ن

ن

نخ ن ف ضن اق رهت ضن ل صحن ط لطیر
ایققی سوال عربی و اجمع ع ولن م مع دل ح سمع
صل ح ام م ل تل دب اهت ای دا ای ت
ام می نظر ایققی سوال منظوم فارسی این درست مج
ح ع دم ب اک ادن ع وح هرم اهت ای دا
مش بی م ن ره ای هم نز جون دو سوال ر آند کبریم
صدر و موفر کردیم جواب حاصل شد جواب عربی بی دم ال ج
م ع ئی ال ان ام وعی دال اح حت رام بعد
صل وة ال ام ام جون این حرف را مرتب کردیم جنین
حاصل شد بعدهم الجمعة عید الانعام دعید الاحترام بعد
صلوة الامام ش جواب فارسی نه مرزنج م مع هعی ح
آمد ب ملن ام ل بی ک جلسش دان وعی د
اح حت رام ش جون این حرف را مرتب کردیم جنین شد



لطفی نظم نظم روز جمعه آمد بزم میگیرد باش این دعای احمد
شال هفتم میر فقیر اللہ کنیت میر محمد مقیم شیری گذاشتند
چراکه عین نوع هر کس دارد : شال هشتم سوکه جوں نام مندی
پشاوری سوال حبیب کرد بین طبق حاصل شد کی فتیت اح
مال سوکدح کی درن جب ان ورال وی ن
ح ان افع از ارن صورت نوع لج به اوم ال
ای کار : جون این حروف را خالص ساختیم حبیب حاصل
شد کی فتیت اح ومال سوکدح کی درن
جب ان ورال وی نح ان افع از ارن صورت
ت نوع لج به اوم ال ای کار : اس چون این حروف
را خالص ساختیم حبیب حاصل شد کی فتیت اح ومال سو
کدح ن ب سرل ونخ ن تر صورت : این زمام بست یافی
رس از الگاه داشتیم متوجه باقی بعمل شدیم طلحه صحابه
در زمان طارد

بوم محبه سنت های طایفه میل صحراء هایام غنیم
س بعده زمل خاکی زده ره قوس هشتادی سر زبانه قوس
دستگ هجره هایم حسن حسن عزمه جون این حدود راجح کردیم
چندین شدج رنار طارم سبب ناحل خ اس نه
سره قوس آشیت رهی داین محمود پنجاده هفت حرف است
جون این حدود را با حدود خالصه جمع کردیم سعادت داشت بدین
طریق کیفت احول سوچ نجات بردا و
خ غریب ایچ و راع طارم سبب ناحل خ ام
س نه سه کیق و سه شاهزادی س نیل هق
وس حدود راع طارم شاهزادی س شاهزادی
داین حروف را تکیم نمایند چند آنکه زمام اصل بازگردانی بس از انظیر
باتشی و ابجدی و اطمی و اشرافی چنانچه مخدود مخدود شرگ بیرد و از ای
تحمیر حورب نمایید چنانچه بعد از عمل قواعد مذکوره این سطر حاصل آید و چنین
حروف تعلیل اعمال و نظایر مکررا سرای عقده کثی اول والا لب

و واضح دلایع شده تکرار آن نیز درست سطر حوب بمنیت نیست
دک هج ح و ن خ ل و م ب د م ح ذ ع ل ش ح د ب ا
ص ر ک ا ش ا ن ح د ق د ک ع ط ل م ا ش و د و م ق
ی د و م ح ب د م ک ر م ری و د ع ا ق ب ت
ک ا ر ب ق ت ل م ا ش ر م ن د : م ر ع د د ر ف ن ا
اگر س است ب محنت بیس است : از نکته تو ان راه ب محظوظ سخن بردا
زیاده ب هرین ف ش ای در ا ر ع ا ر ف ا ن و ک ا ش ف ا ن ا ج ا ز ت ر س ت ا د ا ن ای س است
و ا س د ا ع ل م بال صور ا مثا ل ه ب م ک ب هرین ا مثله است و عبیرت
و ف نیه ک ا نیه است فیه م غص ازین م سو م می شود و سخراج جمیع احوال
تو ان و دیگر که بتاید ب جانی و امداد بیزد افی راه ب این طریق سخراج مردستی
از ر ا ع م ا ل د ب ل د ب ل د ب ل ف هم ف هم زنها رکه از ر ا ب ل م خنی و م تجھب دار و
درین سوال س ب ل د ب ل د ب ل س است و سوال از مرض د ب ل د ب ل د ب ل د ب ل د ب ل د ب ل
او خدابنیه ز د م حل و سوال معلوم است و موند ا ن ا س م ا ع ب د ا ل ر ز ا ق

الطالع ثور الراج رسه اسابيع العقرب العاشر دلو حمه العجمي
٨٨٨ ٣٠٠ ٥٩٤ ٦٢٣ ٦١٣
يَسَلُ عَنْ مَرْضٍ سَلَالَةٌ حِفَادٌ سَيِّدُ الْمُرْسِلِينَ وَخَدْصَهُ اولادُ ائمَّةِ الطَّيْبَيْنَ
١٣٤١ ١١١٠ ١٩٣٦
ابو عبد القدس سيف خان سببه ودواية حروف
٢٨٩ ٨١ ٥٧ ٣٢
ست نقطه حشم نرضع ححت هش نزخ
ع ج خ ى ج نع رس اغ ف ى نع ط ى
ورفت وض راع دل ب حروف ملغوظي ال رس ا
لع دال اق ال اع ال الى آفره حروف
ض نع س ع ج ج نع س اغ ف نع ك ضى ل آك ن ل الى
آفره حروف مكتوبی سروری ب زر طحت ر الى آفره حروف
سروری مكتوبی ستقطقه ف شرح ت هش نزخ ى ر
ى ظرف ه ب ال ن حروف مكتوبی دسم ف م ف ن
ال ن حروف مكتوبی ستقطقه دو الى آفره جسح حروف
ملغوظي مكتوبی سروری جنبین است که در جبل ثبت شد و مجهود

اچ اس رع دا ل ا ق ا ل اع ل ا ل ا ع ا ل اس دا سلی رع ا ل ق ع م د

ا ل ا ع ا غوا ل د صول ۱۱ ل ا ع د ا ل ع د ل ل سی ا ل ص ع ل ا ل ۱۱ دس دا سل ل م

تئمہ جدول حروف ملفوظی و مکتوبی و مسوده‌ی حنین است

ا ل ف ا ا ل ا د ۱۱ ا ل ا ع د ا ق ل س ح ص ا س ح ص ا س ح ۲۴ ع خ م ر ا ق ۲۵ د د د

ع کر ل اس ا ل ب کر نز ط در جیب سی س ح طب سری رت فتح ع کا ح کا ح د د

ت ط ب کی ب ۳۷ خ ف ج دی ۳۸ خ ش د ت ز رخ خ ج بی ظر و د ج ب ۳۹ د د م

بعد ازین نظر ایرج محبیح این حروف را بطريق ابتدی آبجده و

ابطه و اشتبه نحوی که مکرر نموده شد گیر دیں از حروف مستقطر

حروف مستخره حاصل نماید نظر بالذات شده شیوه مثال دهم میر

فخر اللہ کنیت پیر میر محمد مقیم کشمیری بلده کشمیر مساط و عاد شده

وازار حمد شاه در نے بُنی ورزیده بعد مکیان شاه ندو نور دین خان

راسدار صوبدار بعد نذکور کرد و برای استقبال میر فقیر اللہ مسطور

فرستاده چون سردار نذکور لبغصبه نجیح رسیده میر نذکور را افواج

خدو

خود و پهله و غیره را جمع مخوده در مقام محالحت و مراجعته قایم مانده
محمد حسین خان افشار قزلباشی که بیکر از جماعت داران عمدت میرنگور
بود از درویشی که بهره از علم حضرت راشت سوال مخود در درویش نگور
استخراج احوال مخوده حسین آمد که فتحی تاح و $\frac{۱}{۴}$
ال۳ فتحی مرال هجده اند و سال دیگر
خان درانی از نعل جبهه و نص رخت او
پس این حرف را بخط عددی کن یعنی ملاحظه من که هر یازد
حروف چند عدد دارد پس استثنطاق کن آن اعداد را
و صفت ساز و آن حروف را جمع کرد که میر غانی شد بطریق
ملفوظی کاف مکیسد و میکسرت حروفش ای وی ای
یازده است حروفش ای وی ای وی ای وی ای وی ای وی ای
ای وی ای وی ای مکیسد و یازده سرت و صروفش ای قو
ح ا نزهت حروف طور و اوسینه زده سرت و صروفش ای قو

دل ام هفتاد و یک سرت حرفش اع و می م نود
است ده حرفش ص و می ا یا زده سرت حرفش ای و
دیگر ا دو صد و یک سرت و حرفش ار و ف
بشتاد و یک سرت ده حرفش نمودنی ایکه ف کیم صد و میان
و یک سرت ده حرفش اف ق دی ایا زده رست ده حرفش
ای و را دو صد و یک سرت ده حرفش ار و اف کیم صد
و یا زده سرت حرفش ای ق دل ام هفتاد و یک سرت
ده حرفش اع دل ام هفتاد و یک سرت ده حرفش اع و
ده اش سرت ده حرفش د د ب ا سرت ده حرفش
ج وال اف کیم صد و یا زده سرت ده حرفش ای ق و ن
کیم صد و ش سرت ده حرفش و ق و و او و بیزده سرت حرفش
ای ب دل ام هفتاد و یک سرت حرفش اع و دال
سی و پنج است ده حرفش دل و می ا یا زده سرت حرفش ای

و ن و ن م کیم د و ش س ه س ت ح ر ف ن ش و ق و م خ ا
ش ش ص د و ب ای س ه ت ح ر ف ن ش ا خ و ال ف م کیم د و ب ای ز
ه س ت ح ر ف ن ش ای ق و ن و ن م کیم د و ش س ه س ت ح ر ف ن ش
و ق و د ال سی پ نج ر س ت ح ر ف ن ش ه ل و را د و ص د ب
ه س ت ح ر ف ن ش ا ل و ال ف م کیم د و ب ای ز و ه س ت ح ر ف ن ش ای
ق و ن و ن م کیم د و ش س ه س ت ح ر ف ن ش و ق و د ال سی
پ نج ر س ت ح ر ف ن ش ه ل و را د و ص د ب ای س ه ت ح ر ف ن ش
ا ل و ال ف م کیم د و ب ای ز و ه س ت ح ر ف ن ش ای ق و ن و ن
ب د ص د و ش س ه س ت و ح ر ف ن ش و ق و وی ای ز و ه س ت ح ر ف ن ش
ا ب ه ق و ن را ه س ت ه س ت ح ر ف ن ش ح و ن ع وی ن ب ل ه ز ر د
ه س ت ح ر ف ن ش ح د ب ه س ت س ن ع و ل ا م ه ف ن ا
و ب کار س ت ح ر ف ن ش ا ع د ب ه س ت ه س ت ح ر ف ن ش ح و و ا
ک ش ش س ه س ت ح ر ف ن ش و و او ک س ب ز د ه س ت و ح ر ف ن ش ح وی

و ن می خود شش رست و هر دو شر و ق رص او نو پونج
است و هر دو شر ح ص و را دو صد و بیک رست و هر دو شر
ار و ت ا ج ع ا ر ص د دیک رست و هر دو شر ا د ت و ال ف می خود
میاز ده رست و هر دو شر ای ق و ا و سیز ده رست و هر دو شر
ج ه ل پس مجموع هر دو شر و نطفه این رست ...
ا ق ای ا ف ای ا ت ای ق ط ج ه ای ق ا ه ص ا
ه ا ه ا ف ا ف ق ای ا ر ای ق ا ه ا ع ا ع و ج ای ق ه
ه ای ق و ق ا ه دل ای و ق ا ل خ ای ق د ق دل ای
ای ق و ق ای ای ق ه س ن ه ا ج و ج ه و ق
ه ص ا ه ا ه ای ق ه و این مکی خود ه بیک ه دل
است چون این هر دو خارص خیم حاصل آمد ای ق ه
ه ت ط ج ه ص ر دل و خ ح س ن ه ای ق ه و ق
رست چون این هر دو خارص را چندان نگیرد زمام بازگرد
بیخ

یعنی همین سهده حرف است حاصل خود پس این را نظایر
بگیرد جنابه بخود مبنی است اقی فت طبع صره ل
و خ ح س ن ع ش ه خ ج ح م ف ب د و ق ض
سری است ان م ن است او شن ق د ب ح ف غ ص ل
خ ج ه ط ک ص ن ق ف د ض خ ل ش س ت ح ب ذ ر
ط خ و ح ه خ د س ض ض ق ط ن ض ن ا ح م ی
و ف ق ی ر ا ل ل ه ن ع ل و ب س ن است
بجهة تحقیقت حجیب هست اما بر سرعت سوزن بر سر سوزنی را
ده ده باز بخواهد یا نیشتر بر دست زندتا پاره خون باید اگر پیش
بر دست راست زند و اگر دختر بشد بدست حجیب کند
او آتم رئی ارتقا دنی مهد دیوه او آتمه ممتنه بهشت سوانح از

جج ختیم معه الصفر اعد او پیچ ح ۸ رز ۱۲ طرح
ختیم با فی ۸ مانده عدد او سطیه ۸ دو مانده و
۳ را حرفت ختیم ح ب شد عدد ملفوظی مکوند کم
ب شد حرفت ساختیم ج آمد عدد ملفوظی ختیم سه پنجه
جن شد هم بعد ملفوظیه ۹ سید و
حرفاطن ق آمد عدد او سطیه گرفتیم وا آمد
ا شد بیت ختیم ب ج جن طن ق ا
لجد ازان در بیت او سطیه مکنوبیه و ملفوظیه ثانیاً
ثانیاً به نوبت اصلی ادعام دادیم و بیت زمامیه
ثابت گردانیم که بند بیت الزمامیه که عکس اصح بیت
فضنداشده اب ل ج ل ج ات ل طان
اق ل ا در اصل که جبار جبار رکمان اند پر ترتیب
صدر د موخر جبار بیت سازیم و هر که ثابت شود ولپیں

بِتَنظِيمِ بُسْطِ الْوَسْطِ فَقَهْ عَدْدًا وَحْزَنًا در جدول کشیده
بالاسکندریا ن سخمه بسط الوسط فقه بـتبیل
حرفت سطره جورب موافق بـدر آریم
اـل جـقـل اـجـنـل اـجـ طـاـلـنـجـ
نـاـلـاـلـ طـبـجـقـفـاـلـلـاـنـ
جـ)ـجـنـنـاـلـلـاـلـاـلـقـطـ
جـبـ)ـجـبـجـجـنـطـنـقـاـلـ
اـلـاـلـاـلـاـنـ

تُنْطِير مسحورة فقة

د ب ج ح ت ح ش خ ج د ح س خ ن ز د س
ر ش ن ر ص س ض س ط ص ط ن م ن ع ط ن ع ظ ف
ع ق ن ع ل ك ف ل ق م ك ن ل و م ه ن ل ا
و ن سے د ل لا ل ا د سے ا

اعداد الوسط پ بنظر فقهہ

دست قل همچ بفتح
سی صبح نیز تنه را رصل نیز الحمد
دشنه

شـرـالـطـاعـفـنـیـهـ نـهـ اـزـ تـرـکـ دـبـ فـصـورـ توـانـ مـخـودـ
وـتـرـکـ دـنـیـاـ نـهـ لـذـ تـرـکـ جـیـاـ مـلـزـدـ سـهـ پـوـشـشـ
پـوـشـاـکـ دـاـدـاـبـ تـمـاـہـیدـ بـاـبـیـ پـوـپـےـ وـلـکـلـفـتـ
خـوـبـ خـوـرـدـ مـنـ مـاـمـوـرـاـتـ رـسـتـ مـعـنـدـ وـرـیـهـ
اـنـدـ مـنـوـبـ لـوـزـنـ سـاـخـتـ کـهـ اـیـنـجـهـ بـثـوـتـ هـیـ
اـلـاـتـ اـلـبـ کـاـلـبـ بـنـیـ اـنـدـ وـعـرـفـنـ دـحـوـزـنـ
رـنـاـصـیـتـ آـنـ کـهـ جـزـاـدـرـاـکـ وـرـفـحـ اـنـ یـغـرـ وـقـوـعـ ذـہـنـ
هـسـتـ دـارـانـ ضـایـعـ مـکـنـیـشـوـنـیـ نـوـانـدـشـ مـطـبـ اـزـینـ
کـهـ جـزـبـرـاسـتـیـ نـگـوـیدـ وـمـکـیـشـنـیـهـ دـوـستـ دـارـدـ وـآـنـ شـبـ
رـاـ لـذـ جـنـبـ کـبـرـیـ بـنـاـصـیـتـ اـجـاـبـتـ کـلـیـهـ مـاـنـدـهـ اـنـدـ
سـوـالـ مـرـقـومـ ۶۰ شـهـرـ حـبـ اـنـدـ عـبـدـ الرـحـیـمـ رـاـ دـرـ خـاطـرـ جـمـهـ
اـنـدـ بـشـرـ دـارـدـ باـ پـادـشـاـهـ کـرـدـنـ چـهـ لـنـدـلـازـهـ دـارـدـ فـقـطـ عـجـ
الـسـحـیـمـ سـادـنـخـ اـطـیـحـ هـاـنـ دـیـشـ هـدـاـرـ

ب ا پ ا د ش ا ه ل ک س ر د ن چ ه ا ن د ا ز

ه د ا ر د ز م ا م ن ف ق و ط ب يه گ ر ف ت يم ح ب خ چ ن
ك ش ب پ س ن چ ن ز ج و نه ز آ خ ز يه
ز ع م ا م ن ف ق و ط ب يه ح ر فت ب يو مين ه ج ز د است و ه ز و د ر ب يه د و م ين
ا ب ج د ب يس د و را د ر سه ف ر ب ن خ و د يم ش ش ش د و حا صل ش ده
ح ر فت ا د ل ز م ا ص ل ي ك ح در د ر ب يه ع د د د و م گ ل د ا ش ت يم
و او را ا د ل ن و ش ت يم ز ك ا خ ز يه م ن ف ق و ط ب يه ر س ت ب ج ا
ب يو م گ ل د ا ش ت يم ب د ا و ع ز ع د د خ ت م ۲۰۶ ه ج ج ن خ و د يم
۳۸ د ز ۱۲ ط ر ح ن خ و د يم ۱۱ با قي مان ز ن ظ ر ك ر د يم در
ز م ا م ا ص ل ي د يد يم ك ا خ ر ح ف ت ب ا ف ۱۱ است ب ج ب ا ل ف
م ل ف ق و ط ب يه ا و س ط و ب يه گ ر ف ت يم ل آ م د ۳۰ د ز ۱۳ ط ر ح س يم
۹ مان ز ن ظ ر ك ر د يم در ز م ا م د يد يم ك س آ م د ر ك م س ر و ب يه
ر س ت ا و س ط ب يه ح ر فت آ خ ز ين و س ك ا ل ف ه س ت آ

گ ز ن يم

گرفتیم عدد ملغو خلی ساختیم ۱۷ آمد از دوازده طرح نمودیم
۱۸ مانند بس از زمام اصلی که یار نمایم دی و رست در
اولین شمرده پازدهم ن اید که در تخار اصلی ۱۹ رست
جمع نمودیم نهاد وع نزال رن عدد ۳۶ هر دن
ساختیم دس شش بس جمع نمودیم نهاد وع نزال رن
دس شش بس زمام اصلاح نوبت ب Nobت صرف
دیسم و هیسم تا آنکه نوبت صرف دیسم بر صرف
آخر زمام رسید گرفتیم ببست ساختیم نهاد
و در از در ار ل ه ر رن طددس
شش شش ن ع ب د دان ا د
ح چ سه ۱۱۱ خ ش اه د
بس صدر دمو خ ساختیم بجای بطفقه
کبیر در دا میره کشیدیم صرف سومین با



ن و ن و ش ه ب ر ش ا د ن س ش د ا د ن ح ا ز د ا د ن ط ا ا د ن ا د ن ه
ه د ب ح د ن ع د ن ع د ن ل ش ه د ب ن ه د ب ش د ا د ن ع ا س ن ا ش ا د ط ا و د ن ح ا د ن

ع ز ا ل س ن د م ش و ن ه

۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶ ۶

- - - , - - - - - - - - - - - -

واعز بالرسان دشنه

و د ن ا ن ز ه ش س ر ل ع ن

50 300 80

ب ح — ب

ف ب ه ر ح ن ب ز و ز د و

٤٣ - وَعْدٌ لِّكُوْنَةٍ

۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴

۲۷۸ نویسنده این مقاله





